

محافل صهیونیستی:

امید تل آویو به بن سلمان

نقش بر آب شد



پایگاه خبری خلیج آنلاین شنبه با اشاره به قتل خشونت آمیز روزنامه نگار سعودی و موقعیت متزلزل محمد بن سلمان، تاکید کرد که این امر بر حمایت عربستان از پرونده معامله قرن اثر منفی می گذارد و امیدهای تل آویو را به ولیعهد سعودی نقش بر آب می کند.

به گزارش روز شنبه پایگاه خبری خلیج آنلاین، رسانه های صهیونیستی با ابراز نگرانی از سرنوشت بن سلمان خاطر نشان کردند که ممکن است قتل جمال خاشقچی بر وعده های عربستان به رژیم اشغال گر در خصوص معامله قرن تاثیر منفی بگذارد.

در همین راستا حیزی سیمنتف تحلیل گر صهیونیست در امور عربی به تلویزیون این رژیم گفت:بن سلمان اکنون مانند شخصی بی مسئولیت، نادان و مجنون به نظر می رسد. در همین راستا شیمیریت میئر کارشناس صهیونیست امور عربی در گفت و گو با روزنامه یدیعوت احرانوت با انتقاد از مواضع بن سلمان، تاکید کرد: ولیعهد عربستان فکر می کند که اقتصاد آزاد می تواند هم راستا با حکومت استبدادی باشد. او در مقابل دشمنان خود از جمله ثروتمندان فاسد، عموزادگان رقیب تاج و تخت، فعالان حقوق بشر و روزنامه نگاران منتقد مانند خاشقچی از قدرت و زور بی حد و مرز استفاده می کند تا بتواند دشمنان خود را سرکوب کند.

وی با تاکید بر این که در این شرایط دیگر نیروی محرکی وجود دارند که پرونده معامله قرن را به فلسطینیان تحمیل کند، در ادامه افزود: بن سلمان از این اقدامات بیشتر ضرر می کند تا سود. بی فکری های او ثبات عربستان را تهدید می کند.

این کارشناس صهیونیست در ادامه افزود: شاید بن سلمان زیاد فیلم آمریکایی می بیند یا زیاد بازی رایانه ای می کند اما بی تجربه گی او باعث شده که نتواند تحولات رسانه ای را به شکل درست ارزیابی کندو ما امروز شاهد سقوط وی هستیم.

از سوی دیگر ایال زیسر پروفیسور دانشگاه تل آویو در مقاله خود در روزنامه اسرائیل هیوم ضمن ابراز نگرانی از وضعیت بن سلمان نوشت: همگان از دست داشتن ولیعهد عربستان در قتل خاشقچی بهت زده شدند و این موضوع چهره روشن فکر رهبر عربستان را به طور کامل مخدوش کرد و صلاحیت مردی را که می خواهد رهبری عربستان را به عهده به گیرد، زیر سوال برد. همان طور که در موارد دیگر مانند جنگ یمن و بازداشت سعد الحریری نخست وزیر لبنان هم بی فکری و بی درایتی وی ثابت شده بود. وی با اشاره به این که بن سلمان با قتل خاشقچی با آتش بازی کرد، در ادامه تاکید کرد: کسی که مدعی روشن فکری است دست کم باید به بخشی از ارزش های اخلاقی پایبند باشد و قواعد بازی را بداند و مهم تر این که باید دوراندیش باشد اما آنچه در کنسوگری عربستان در ترکیه رخ داد خلاف همه این موضوعات را نشان می دهد.

در همین راستا آرون نهاری تحلیل گر امور بین المللی در پایگاه صهیونیستی والا با بیان ناامیدی از بن سلمان خطاب به وی گفت: تو کسی را نداری که به قتل خاشقچی متهم کنی. تو وجهه نظام بودی و عربستان تنها کشوری است که در آن ولیعهد بیش از پادشاه در جریان امور است و تو کشور را مدیریت می کنی و تصمیم گیرنده هستی... دست کم دنیا چنین فکر می کند. وی در ادامه خطاب به بن سلمان می گوید: تو غروب را قانع کردی و اعتباری بدست آوردی اما آن را به سرعت از بین بردی و وقتی که بی اعتمادی به وجود می آید، دیگر راه بازگشتی نیست.

خاشقچی از دوم اکتبر (۱۰ مهر) پس از مراجعه به ساختمان کنسولگری عربستان در شهر استانبول ناپدید شده است.

دولت سعودی دیروز، ۲۰ اکتبر (۲۸ مهر) پس از ۱۸ روز انکار، رسماً اعتراف کرد که خاشقچی در داخل کنسولگری این کشور در استانبول به قتل رسیده است.

موضع جانبدارانه ترامپ در خصوص قتل روزنامه نگار عربستانی

وکیل مدافع شیطان!



سینا سبز بان

سوزان گلسر ستون نویس هفتگی مجله آمریکایی نیویور کسر، با تحقیر موضع ترامپ در منطقی خواندن بیانیه عربستان بر سر پذیرفتن مرگ روزنامه نگار سعودی نوشت: بعد از ظهر روز دوشنبه ایمیلی کوتاه و صریح دریافت کردم که نوشته بود: اطلاع داشته باشید که مراسم روز ملی سلطنت عربستان سعودی در روز پنجشنبه ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) از ساعت ۸ تا ۶ بعد از ظهر لغو شده است. این امیل از سوی فاطمه باعشن، سخنگوی سفارت عربستان امضا شده بود. هیچ توضیحی برای لغو برنامه ارائه نشد، البته نیازی هم به آن نبود: پس از واکنش های خصمانه بر سر مفقود شدن واحتمالاً قتل نفرت برانگیز جمال خاشقچی، روزنامه نگار سعودی، زمان مناسبی برای برگزاری جشن سعودی هانبود.

از دوم اکتبر (۱۰ مهر)، زمانی که خاشقچی، ستون نویس روزنامه واشنگتن پست که در یک تبعید خود خواسته به ویرجینیای آمریکا مهاجرت کرده بود، وارد کنسولگری سعودی در استانبول شد و دیگر پیدایش نشد، حقایق اولیه تغییر زیادی نداشته اند. اما خود داستان که همواره با جریان درز اطلاعات از سوی مقامات ترک داغ تر می شود با جزئیات در مورد نحوه گرفتن قتل ومثله کردن خاشقچی از سوی تیم ۱۵ نفره سعودی وحشتناک تر نمود پیدا کرد، به یک بحران جهانی تبدیل شد و انکار غیر قابل باور سعودی ها و خود ترامپ به این بحران دامن زد. تا روز پنجشنبه (۲۶ مهر)، در واقع هفته از زمان ناپدید شدن خاشقچی، ترامپ هیچ وقت حقیقت واضح مرگ خاشقچی را نپذیرفت وجوری عمل کرد که انگار در دادگاه نظریات جهانی، به جای آنکه مدافع آزرده حقوق بشر باشد و با آزادی، آنطور که از رئیس جمهور آمریکا انتظار می رود، سخن بگوید، وکیل مدافع سعودی ها است. بیانیه با

تأخیر سعودی ها که اواخر روز جمعه (۲۷ مهر) مرگ خاشقچی را تأیید کرد، حامل ادعای جدیدی بود که وی در درگیری با نیروهای سعودی کشته شده است، ادعایی که به شدت بحث برانگیز شد. علاوه بر اینکه قبول فی الفور توجیه سعودی ها از سوی ترامپ قابل اعتنا نیست، بلکه با تشکر از ترامپ و رفیق گرمابه و گلستانش، شاهزاده جوان وحشی، محمد بن سلمان، این موضوع حاده بگذرد، یک روز از اعتبار آنها در خیلی فراتر از قتل ساده یک مرد مجرد است.

در دورهای که توثیت ها و تفاسیر دائم ترامپ منجر به ایجاد دوره های خبری کوتاه و کوتاه تر می شود، موضوع خاشقچی را می توان بلندترین دوره خبری واشنگتن در نزدیکی انتخابات میان دوره دانست. افشای فرار مالیاتی چند دهه ای ترامپ از سوی مجله تایمز، آمد و رفت، سوابی پال منافورت، مدیر قبلی کمپین انتخابات ترامپ، در ماه سپتامبر سال گذشته از تب و تاب رسانه ها افتاد؛ موج ملی در مورد اتهام سورقتار جنسی برت کاوانا، کاندیدای دیوان عالی، تنها ۳ هفته طول کشید. حالا اما ۱۷ روز کامل بدون پایان در گرفته است، ترکیب اعتماد به نفس، باهوچی گری و دستیچگی برای پایان دادن به آن تلاش ناموفق داشته است، تاجلوی قطع روابط با متحد محوری اش در خاور میانه را بگیرد.

من از اشفتنگی واشنگتن در این ماجرا شگفت زده نشدم: این ترامپ است که به دلیل مصالحه اخلاقی، فشار رسانه ای و نیاز به رد حقایق، رسوا شده است. در زمانی که رهبری دنیا به دست آمریکا از سوی خیلی ها مورد سوال قرار گرفته است، ترکیب اعتماد به نفس و شک و تردید ترامپ در واکنش به قتل وحشیانه یک مخالف، کسی که به آمریکا پناه آورده بود، منجر به خرسندی آدم بد های دنیا شده است. حتی خیلی از جمهوری خواهان کنگره نیز از دست ترامپ خشمگین هستند و دوباره سناتور لیزی گراهام و مارکو روبیو در

قالب تریبون داران با تقوای آمریکای ظاهر شده اند تا خواستار واکنش سخت ترامپ علیه سعودی ها شوند. کریس مورفی، سناتور دموکرات نماینده ایالت کنتیکت، به من گفت خشمی که اکنون شکل گرفته، ربه فزونی است و به یک سریال وحشتناک تحول انگیز برای سعودی ها تبدیل می شود. به عقیده وی این تحرک ادامه می یابد و برای سعودی ها هر روزی که بدون توضیح در مورد این حادثه بگذرد، یک روز از اعتبار آنها در کنگره به باد می رود. به طور مشخص دیدگاه سیاستمداران کنگره آمریکا در مورد عربستان سعودی به شکل شگفت انگیزی تغییر کرده است. در ماه می (خرداد) اولین سال ریاست جمهوری ترامپ، زمانی که با سناتور مورفی در مورد تلاش برای مجاب کردن کنگره به منظور تحریم عربستان سعودی در قبال جنگ وحشیانه علیه کشور همسایه اش، یمن، صحبت می کردم، او در حبهه خود تنها بود. حالا این موضوع به اجماع دو جانبه تبدیل شده است.

مورفی روز پنجشنبه در این باره به من گفت: از اینکه جلب کردن توجه مردم به قتل هزاران شهروند در خاک یمن، باربر، گریفت اند راجرز، که شرکت خیلی عصبانی هستیم، اما این اتفاق را نقطه عطفی دیر هنگام در روابطمان با عربستان سعودی می دانم. من احتمال اینکه سعودی ها دوباره با جادو و جملب ورق را برگردانند، رد نمی کنم، اما در حال حاضر دیگر اعضای کنگره به تصویب فروش سلاح یا تأیید بی قید و شرط جنگ در یمن نمی اندیشند. اگر دموکرات ها بتوانند کرسی های یک یا دو مجلس سنا و نمایندگان را در گرفته است، ترکیب اعتماد به نفس و شک و تردید ترامپ در واکنش به قتل وحشیانه یک مخالف، کسی که به آمریکا پناه آورده بود، منجر به خرسندی آدم بد های دنیا شده است. حتی خیلی از جمهوری خواهان کنگره نیز از دست ترامپ خشمگین هستند و دوباره سناتور لیزی گراهام و مارکو روبیو در

خواسته واشنگتن عمل نمی کند، مورد انتقاد قرار داد و گفت: ما نمی توانیم با دروغ این مرد زندگی کنیم، به هیچ وجه. خیلی واضح و وحشتناک است. اینگونه نمی شود که بی خیال عبور کرد. این راهش نیست.

این لایه گر جمهوری خواه، ترامپ را در تشدید این رسوایی و تبدیل آن به موضوعی در مورد خود ترامپ، مثل همیشه، مورد انتقاد قرار داد و گفت: ترامپ هیچ وقت هیچ کاری را درست انجام نمی دهد. هیچ وقت، هیچ وقت.

در همین حال کسانی که از دولت ترامپ بابت حمایت از شاهزاده سعودی و تأیید او به عنوان رهبر اصلاح گر مدرن گرا، حمایت کرده بودند، دچار ناامیدی عمومی شده اند. توماس فریدمن، ستون نویس روزنامه تایمز که همواره ستون مطالبش با عنوان سرانجام بهار عربی عربستان سعودی از نوامبر ۲۰۱۷ (آذر ماه ۹۶) به ستایش محمد بن سلمان و تفاسیر حامی آل سعود از سوی دست اندر کاران خاور میانه ای واشنگتن اختصاص یافته بود، به شدت ناراحت است. دنیس راس،

دبلمات کهنه کار خاور میانه که به روسای جمهور هر دو حزب از جورج دبلیو بوش گرفته تا اوباما، خدمت کرده است، یکی از ناامیدان است. اگر چه وی همچون فریدمن طر رفتار ترامپ نبود، اما دنامه در دصالحات محمد بن سلمان می نوشت و آنها را نشانه های امیدوار کننده برای مدرنیزه کردن به روش غربی می خواند و ایده اقداماتی برای تمرکز قدرت به منظور دیکتاتوری بن سلمان را رد می کرد، که در نهایت همان شد. راس در مقاله ای که ماه فوریه (بهمن ۹۶) برای واشنگتن پست نوشته بود گفت: امریکا باید پشت شاهزاده افقلائی سعودی در آید. اما مقاله او کلی منتقد پیدا کرده است و توثیت های نفرت این هفته برایش منتشر می شوند. (یکی از متقدانش نوشت: کلمات او باید باعث بدنامی اش شوند)

راس به من گفت جدیدترین نظر تلخ خوانندگان برای او ارزیابی در مورد حقیقت روابط چند دهه ای آمریکا و عربستان سعودی است: روابط با عربستان همواره بر اساس منافع بوده است نه ارزش ها. راس هنوز هم شاهزاده بن سلمان را یک مدرنیزه گر مذهبی می داند که کشورش یک متحد کلیدی برای آمریکا به شمار می رود، اما ترامپ با عدم تعیین خطوط سخت، منجر به تأخیر یک مجازات اجتناب ناپذیر شد. راس گفت: این موضوع بدون عواقب تمام نمی شود، نه تنها به دلیل سعودی ها بلکه به دلیل آنکه همه دنیا در حال رصد موضوع هستند. هر کس باید استانداردهایی داشته باشد، هر کس باید عواقب را در نظر داشته باشد، باید نشان داد که رفتارهایی هستند که قابل تحمل نیستند و نمی توانند به استانداردهای جدید بدل شوند. اما قطعاً بر اساس همین استدلال، کرده ترامپ منجر به اتحاد کم سابقه احزاب شده است. همیشه مسئولان و افراد مختلف در مورد کوتاهی شان عذرخواهی می کنند، اما به نظر می رسد ترامپ یکبار دیگر مسیر

واکنش ترامپ به موضوع خاشقچی در واقع نوعی پوتینیزه کردن نظم جهانی است. ۱.نمسأله در واقع نتیجه عملکرد رئیس جمهوری است که نه تنها حقوق بشر را نادیده می گیرد، بلکه دیگران را تشویق به مسخره کردن آن می کند

کوشنر، داماد ترامپ و محمد بن سلمان، که روابط صمیمی آنها مشهور شده است، این ریزش قطعی است.

همچنان که روز ها به هفته ها بدل می شوند و سعودی ها هیچ توضیحی ارائه نمی کنند و حزب خود ترامپ نیز از او دلخوری می شوند، مخاطرات موازی در واشنگتن انباشته می شود. شرکت های لابی گری و اتاق های فکر، کم کم ترغیب شده اند که عربستان سعودی به عنوان یک مشتری را کنار بگذارند. از جمله گروه گلسور پارک و شرکت جی اوپی باربر، گریفت اند راجرز، که شرکت اخیر، عطای حساب ۱ میلیون دلاری در سال را به لقایش بخشید، پس از آنکه به اد راجر، یکی از موسسانش، لایه گر جمهوری خواه، از سوی فرد هیات، سردبیر بخش سردبیری روزنامه واشنگتن پست گفته شد که بین ستون روزنامه خاشقچی یا چک دولت سعودی یکی را انتخاب کند. آخرین باری که چنین هجمه ضد سعودی شکل گرفته بود، مربوط به سال ۲۰۱۱ می شود که مشخص شد ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیمای حادثه ۱۱ سپتامبر شهروند سعودی بوده اند. من با یکی از خیل لابی گرانی که در محصه خاشقچی گیر افتاده است صحبت کردم و به نظر او پولی که قبلاً به راحتی قابل پذیرش بود، حالا از نظر سیاسی غیر قابل دفاع شده است. این علایق، بن سلمان را به دلیل آنکه به

ترامپ طرد شده شاید در آینده نظرش را تغییر دهد و چیز دیگری بگوید، هر چند که هنوز به عقیده بسیاری در تلاش برای سرپوش گذاشتن اقدام سعودی است، اما خسارت وار د شده است و جهان خوب می داند که رئیس جمهور آمریکا چطور فکر می کند

خود را با گستاخی از دل حقایق تلخ می گذراند. این کاری است که ترامپ همیشه انجام می دهد: از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه دفاع کرد؛ از شی جین پینگ، مرد قدرتمند چین تمجید کرد؛ د عاشق رهبر دیکتاتور کره شمالی کیم جونگ اون شد. اما همانطور که مایکل هایدن، ژنرال سابق نیروی هوایی و رئیس آژانس امنیت ملی، این هفته در روزنامه تایمز گفت: هر سه نفر آنها حملات غیر قانونی علیه دولت های خارجی در دوره ریاست جمهوری ترامپ انجام داده اند. بسیاری از حامیان ترامپ بر این باورند که حرف های او اهمیت ندارد ند و در واقع دفاع او از ستمگران افرایق آمیز است. اما با استناد به یک ماجرای مر بوط به پوتین در اوایل سال ۲۰۰۰ می گویم که اینطور نیست. آن موقع زمانی که دبلمات ها از رئیس جمهور روسیه به دلیل جنگ وحشیانه در چین انتقاد داشتند، او در پاسخ به این انتقادات به خبر نگاران گفت چنین انتقاداتی وجود ندارد چون من از دوستم جورج دبلیو بوش چنین مطلبی نشنیده ام و بنابراین اهمیت ندارد.

واکنش ترامپ به موضوع خاشقچی در واقع نوعی پوتینیزه کردن نظم جهانی است. این مسأله در واقع نتیجه عملکرد رئیس جمهوری است که نه تنها حقوق بشر را نادیده می گیرد بلکه دیگران را تشویق به مسخره کردن آن می کند. ترامپ عربستان سعودی را به جای مکزیک یا کانادا که معمولاً اولین مقاصد رئیس جمهور های پیشین بود، قرار داد. او در حالی که عموماً با جاستین ترودر، نخست وزیر لیبرال کانادا، دشمنی می کرد، به تمجید افراطی از ستمگران پرداخت. آیا اینکه ترامپ خبر نگاران را دشمنان مردم می خواند و در میان آشوب از سیاستمدار جمهوری خواهی که خبرنگاری را مورد ضرب و شتم قرار داده بود تقدیر می کند، اهمیت دارد؟ بله دارد. ترور جمال خاشقچی نه تنها به عنوان قتل نادر یک مخالف تنها از سوی سلطنت استبدادی خاور میانه ای در یساد می ماند، بلکه به دلیل طفره رفتن های چند هفته اخیر دونالد ترامپ به عنوان یک سرمندی که در سابقه آمریکا ثبت می شود. ترامپ طرد شده شاید در آینده نظرش را تغییر دهد و چیز دیگری بگوید، هر چند که هنوز به عقیده بسیاری در تلاش برای سرپوش گذاشتن اقدام سعودی است، اما خسارت وار د شده است و جهان خوب می داند که رئیس جمهور آمریکا چطور فکر می کند.

شود. مردم رای دادند و این دولت هم به اجرای آن پایبند است. با این حال، عملکرد دولت ترزا می در این باره چندان مشخص نیست. جایگزین های بریگزیت برای بریتانیا، خروج کامل بدون توافق و خروج با توافق و بسا تغییرات اندکی که باز هم موجب از دست رفتن جایگاه لندن در اتحادیه اروپا می شود. هیچکدام از این گزینه ها ر حجت ندارد. مسیری که بریتانیایی ها را به اینجا رسانده، موجب انزوا و حتی تضعیف ترزا می شده است.

در طومار آنالاین این روزنامه حامی اتحادیه اروپا بر برگزاری یک رای گیری الزام آور پیش از پایان ضرب الاجل ماه مارس تاکید شده است و حدود یک میلیون تن آن را امضا کردند. با این حال نخست وزیر بریتانیا به وضوح اعلام کرده است که دیگر چنین فرصتی فراهم نمی شود.

ترزا می چهارشنبه در پارلمان گفت: آنها اکنون خواستار یک رفراندوم دوم هستند تا بروند و به مردم بگویند وای، واقعا متأسفیم، فکر می کنیم این را اشتباه فهمیده بودیم. قرار نیست رفراندوم دومی برگزار

تظاهرات بریتانیایی های ساکن خارج اروپا در لندن

متقاعد کردن ترزا می، نخست وزیر بریتانیا به برگزاری یک رفراندوم دوم در باره بریگزیت صورت گرفت.

پیام این راهپیمایی حائز اهمیت است؛ «وعده ای که به حامیان بریگزیت پیش از رفراندوم ژوئن ۲۰۱۶ داده شد و موجبات جدایی رافراهم آورد، هیچ شباهتی به مذاکرات امروز لندن با بروکسل ندارد».

بریتانیایی های ساکن در خارج از مرزهای اروپا دیروز شنبه از گوشه و کنار شهر به سمت لندن حرکت کردند تا در تجمعی اعتراضی تلاش کنند جلو جدایی کشورشان از اتحادیه اروپا را بگیرند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری فرانسه، تجمع دیروز تحت عنوان «راهپیمایی رای مردم» به سمت پارلمان بریتانیا با حضور ده ها هزار تن و با هدف